



به سازمان جوانان
کمونیست پیوندید!

صفحه ۴

هشدار آی ال او
به جمهوری اسلامی
به نعل و به میخ

صفحه ۴

۱۹ سال گذشت
۳۰ خرداد ۶۰
گفتگوی

رادیو انترناسیونال
با منصور حکمت

صفحه ۲

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰
بوقت تهران

۱۹ متر برابر با
۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

سفر خاتمی
به آلمان

محمد خاتمی، رئیس جمهور رژیم اسلامی قرار است بزودی برای یک دیدار رسمی با مقامات دولتی به آلمان سفر کند. از ترس مردم، و از سر عقل، تاریخ سفر را مخفی نگهداشته اند! شاید میخواهند هنگام ورود در فرودگاه هم گونی ای روی سرش بکشند و در ماشینی بچپانند و ببرندش. شاید جایی دزدکی بنشینند، کاغذی امضاء کنند، سیبل هم را چرب کنند، توطئه ای علیه مردم ایران و آلمان بکنند و پی کارشان بروند. لابد یک ژورنالیست کاسه لیس و مرتبط با وزارت خارجه آلمان هم پیدا خواهد شد که گفتگویی درباره "اصلاحات" در ایران با او بکند. لابد به مردم آلمان خواهند گفت این آدم امید تغییرات در ایران است. لابد از ده روز قبل پلیس را سراغ مخالفان خواهند فرستاد. تکاپوی مقامات برای ساکت کردن مخالفان استبداد و ارتجاع اسلامی از هم اکنون آغاز شده است.

دوم خرداد "اپوزیسیون" نیست. یک رکن رژیم اسلامی است. خاتمی رهبر "تاراضیان" در ایران نیست. این آدم رئیس قوه مجریه رژیم اسلامی ایران است. رئیس کابینه است. رئیس مافوق ساواما و وزارت اطلاعات و وزارت کشور حکومتی است که آدمکشی در داخل و خارج کشور وجه مشخصه اصلی اش است. این آدم رئیس مافوق سازمان زندانهاست. زندانیان در ایران رسماً زندانی ایشاندند. در زندانهای ایشان و زیر نظر و با علم و تأیید ایشان است که مردم را اسیر میکنند، شکنجه میکنند، اعدام میکنند. اختیار دریافت و خرج کردن درآمد نفت و مالیاتهای مردم، پرداختن یا بالاکشیدن مزد کارگران، تعیین سهم یا ابعاد محرومیت مردم از بهداشت و مسکن و سواد آموزی، با ایشان است. ایشان است که بودجه سپاه و بسیج را تعیین میکند و میپردازد. ایشان است که اسلحه میخرد. ایشان است که دارد افغانستانی های ساکن ایران را پاکسازی قومی میکند.

زمین را زیر پایشان داغ کنیم!

ایشان بزور حجاب سر زنان میکنند. ایشان رئیس کل بوروکراسی ضد مردمی، ضد کارگری و ضد زن در ایران است. در حکومت ایشان است که احزاب سیاسی اجازه فعالیت ندارند، که کارگران اجازه تشکل و اعتصاب و انعقاد قرارداد جمعی ندارند، که زنان اجازه زندگی ندارند، که مطبوعات آزاد وجود ندارد، که مردم را بجرم عقایدشان میگیرند و میزنند. تعریف شغلی ایشان پاسداری و اجرای کل قوانین و احکام رژیم اسلامی است. به این عنوان حقوق میگیرد. و این تازه قبل از "انتخابات" بود. اکنون ایشان رهبر اکثریت مجلس اسلامی هم شده است. قانون را هم همین ها مینویسند. و همین ها قوانین موجود را ابقاء میکنند. جای هیچ نوع پرده پوشی و ماستمالی وجود ندارد. این آدم یکی از سران اصلی حکومت مرتجع اسلامی است. این آدم رئیس قوه مجریه و

میزبانان امروز خاتمی، متهمان فردا در دادگاه رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت خواهند بود

صفحه ۳

پینوشه و هائیتی پاپا دوک داشته اند. این یک آخوند مرتجع و یک عنصر کلیدی در ساختار قدرت در یکی از جنایتکارترین حکومتهای استبدادی قرن است. باید هم تاریخ ورودش را مخفی کنند. باید هم دزدکی

شود. اکنون دیگر کسی نمیتواند تردید کند که کوچه های تهران و برلین بهم وصلند و شعارهای آزادیخواهان در آلمان، در میدانهای ایران طنین خواهد انداخت. باید زمین را زیر پایشان داغ کنیم.

"اقتصاد" یا "توسعه سیاسی"، کدام مال خر است؟!

منصور حکمت



در مقابل، جناح راست با حماقت کم نظیری پشت "اقتصاد" سنگر گرفته است. میگوید چرا دوم خردادی ها در مجلس جناحی عمل میکنند و سیاست بازی میکنند و به اولویتهای مبرم اقتصادی نمیپردازند. بیست سال قبل "به گفته خمینی" اقتصاد "زیربنای الاغ" بود. خواستهای رفاهی و اقتصادی مردم انقلاب کرده را با این نوع اراجیف کوبیدند. فقری بیسابقه و غیر قابل توصیف به دهها میلیون انسان تحمیل کردند. حقوق کارگر را ماهها نمیپردازند و آنجا هم که میپردازند قدرت خرید قوت لایموت برای یک خانواده سه نفره را ندارد. تورم و گرانی بیباد میکند. بالاکشیدن حق مردم و رشوه خواری و فساد و اختلاسی بنیاد سیستم اداری

اینهاست. بیکاری و اعتیاد جامعه را در خود غرق کرده است. و حال این ابله ها فکر میکنند با برگ انجیر "اقتصاد" میتوانند در انظار مردم ستر عورت کنند. اما دومی هم دست کمی از اولی ندارد. میگوید بله، اما "توسعه سیاسی" شرط توسعه اقتصادی است. چه عالی، و این توسعه سیاسی نجات بخش چیست: احیای ائتلاف ملی - اسلامی قبل از غلبه راست "انحصار طلب" در دوران رفسنجانی. سهم دادن مجدد به مجاهدین انقلاب اسلامی و خط امامی ها در قدرت، فحاشی

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۳۰ خرداد ۶۰

گفتگوی رادیو انترناسیونال با منصور حکمت

۲۳ خرداد ۷۹

رادیو انترناسیونال - اجازه بدهید با یک نقل قول از مقاله "تاریخ شکست نخوردگان" که در سال ۱۳۷۵ بچاپ رسید، شروع کنیم. شما در پایان این مقاله نوشته اید:

"بالاخره، انقلاب ۵۷ مثل اکثر انقلابات، نهایتاً نه با فریب و صحنه سازی، بلکه با سرکوبی خونین به شکست کشیده شد. فاصله ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ تمام آن فرصتی بود که اسلام و حرکت اسلامی با همه این سرمایه گذاری ها و تلاشها توانست برای موکلین مستاصل رژیم شاه بخرد. و البته از این بیشتر نیاز نداشتند. در تاریخ واقعی ایران، ۳۰ خرداد به ۱۷ شهریور میچسبد و حلقه بعدی آن است."

این نوشته شما کاملاً با تصور عمومی از انقلاب ۵۷ متفاوت است. در تصور عمومی جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ است. ولی شما جمهوری اسلامی را به رژیم سلطنت و ۱۷ شهریور را که سرکوب خونین جنبش انقلابی مردم توسط رژیم شاه بود را به ۳۰ خرداد وصل کرده اید و این دو تاریخ را دو مقطع از سرکوب انقلاب نامیدید. چرا؟

منصور حکمت: بنظر من هر انسان بیطرفی که به آن تاریخ نگاه کند (و من توصیه میکنم که بخصوص کسانی که خودشان تجربه زنده ای از آن دوران ندارند حتماً آن تاریخ را بازبینی کنند) می بیند که ماجرا چنین بود که مردم علیه استبداد سلطنتی با پلیس مخفی اش، با زندانهایش، با شکنجه هایش پیاخاستند. در آن جامعه آزادی بیان وجود نداشت، آزادی مطبوعات وجود نداشت، آزادی تشکل و فعالیت اتحادیه کارگری وجود نداشت، آزادی فعالیت های سوسیالیستی وجود نداشت، آزادی هیچگونه فعالیت سیاسی وجود نداشت. یک حکومت مستبد، فردی، متکی به ارتش، پلیس و پلیس مخفی بود. جامعه ای بود دستخوش بیشترین نابرابری اقتصادی، فقر عظیم در کنار ثروت های انبوه. مردم علیه اینها پیاخاستند، برای برابری، برای آزادی از چنگال اختناق سیاسی و استثمار

اقتصادی. این به انقلاب ۵۷ معروف شد.

وقتی معلوم شد که رژیم شاه از سرکوب این جنبش ناتوان است، جنبش اسلامی که بعنوان یک جریان مرتجع، علیه مدینیت، علیه مدرنیسم اجتماعی، علیه حقوق زنان، علیه رشد، یک جنبش عقب مانده ارتجاعی، از قدیم در گوشه ای از جامعه ایران بود، پر و بال میگردد. یکی از شخصیت های این جنبش، یعنی خمینی، که در عراق تبعید بود را برمیدارند و به پاریس میبرند و زیر نورافکن میگذارند. از آن وقت رسانه ها و دولتهای غربی وسیعاً جریان اسلامی را بعنوان آلترناتیوی که میتواند باید جای حکومت شاه بنشیند تبلیغ میکنند. بالاخره ژنرال هویز از طرف دولت آمریکا میاید با ارتش صحبت میکند و وفاداری ارتش را به خمینی میگیرد. بخش بزرگی از اپوزیسیون ملی و سنتی آن موقع، جبهه ملی و حزب توده و غیره به جریان اسلامی اعلام وفاداری میکنند و جریان اسلامی به این ترتیب به صدر مبارزه علیه سلطنت رانده میشود. مردم بر خلاف میل جریان اسلامی قیام میکنند، قیام ۲۲ بهمن، و بالاخره ارتش شاه را در یک رو در روی نظامی شکست میدهند. اما ماحصل این روند پیدایش یک حکومتی است تحت رهبری و کنترل جریان اسلامی.

منتهی آن دو سال و نیمی که از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ میگذرد، به معنی اخص کلمه هنوز دوره حکومت جمهوری اسلامی نیست.. یک دوره نسبتاً باز فعالیت سیاسی است که دولت زورش نمیرسد وسیعاً سرکوب کند، هر چند چماق داری هست، چاقو کشی هست، اسلامگیری هست، خلخالی همان موقع برای رژیم جلادی میکند، با این وجود رژیم این قدرت را ندارد که جنبش همچنان رو به اعتلاء مردم را به آن شدت سرکوب و خنثی کند. احزاب سیاسی از همه جا سرد میاورند، کتابهای مارکس و لنین همه جا بفروش میرسد، سازمانهای کمونیستی روزنامه منتشر میکنند، شوراهای کارگری بوجود میایند، سازمانهای مختلف زنان بوجود میایند، موج اعتراضی بالا میگردد. تا اینکه

کند و هنوز آقای فلانی خطابش کنند. ریختند در خیابان و هرکسی که بنظرشان قیافه اش مثل مسلمین نبود را گرفتند، گفتند این یکی در جیش فلفل و نمک داشته میخواست بریزد به چشم سپاه و کمیته چی ها. کسی بود سوسیالیست است، کسی که معلوم بود مدافع حقوق زن است، کسی که بی حجاب راه میرفت، کسی که از ظاهرش فکر میکردند چپی است، میگرفتند میبردند همان شب میکشند. آمار و ارقام و مدارک و شهود این جنایات به وفور وجود دارند. روزی خواهد رسید که مردم ایران و جهان می نشینند و محاکمه عوامل این جنایات را تماشا میکنند. در آن روز دنیا برای صدها هزار قربانی جنایاتی که در ۳۰ خرداد ۶۰ و بعد و بویژه سال ۶۷ در ایران شده است اشک خواهد ریخت.

این از جنایات عظیم قرن بیستم بود. قابل مقایسه است با آلمان نازی، قابل مقایسه است با کشت و کشتار در اندونزی، قابل مقایسه است با نسل کشی در رواندا، به مراتب وحشتناک تر از وقایعی است که در شیلی اتفاق افتاد. یکی از فجایع مهم و تراژدی های مهم انسانی قرن بیست است. زدن، سرکوب کردن، کشتند، در گورهای بدون نام و نشان دفن کردند، آدمهای بسیار بسیار زیادی را، نازنین ترین و پرشورترین و آزادیخواه ترین انسانها را، بقتل رساندند تا سرکار بمانند.

رادیو انترناسیونال: رهبران جمهوری اسلامی که الان به جان هم افتاده اند، در آن موقع همه با هم در این سرکوب شریک بودند، منظوم جناح راست و دوم خرداد است که چند تا از دو خردادی ها را اسم ببرم، بهزاد نبوی آن موقع سخنگوی دولت بود و الان از رهبران جبهه دو خرداد است، حجاریان از سازمان دهندگان سازمان مخوف اطلاعات بود و خود خاتمی در دولت بود. چطور شد که اینها یکپارچه از سرکوب ۳۰ خرداد بیرون آمدند و الان به جان هم افتاده اند؟

منصور حکمت: جناح بندی همانوقتی در جمهوری اسلامی وجود داشت ولی همین جناح بندی که الان می بینیم نبود.

بطور مثال مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی و خط امامی ها در صد مقدم حکومت بودند. صف بندی ها طور دیگری بود. نهضت آزادی که الان بخشی از جبهه دو خرداد است خود اولین قربانی خط امامی هایی بود که خود آنها هم الان بخشی از جنبش دو خرداد هستند. دولت آنوقتی دست این خط امامی ها بود. منظوم کابینه است. همانطور که گفتید، بهزاد نبوی سخنگوی دولت رجایی بود. این پدیده دو خرداد که بعداً بوجود آمده دربرگیرنده بسیاری از عناصر و محافلی است که در آن موقع سردمدار سرکوب بودند. خیلی از اینها که الان شاگرد ولتر شده اند و دموکرات شده اند و بخودشان میگویند روزنامه نگار، پاسدار و بازجو و شکنجه گر و مسئول اعدام مردم بودند. در نتیجه این تحریه مشترک هر دو جناح است. دوم خرداد همانقدر در سرکوب ۳۰ خرداد سهم است و همانقدر اصل و نصیبش به ۳۰ خرداد میرسد که امثال لاجوردی و گیلانی و خمینی و خامنه ای. این دولت اینها بود. خمینی، که اسمش باید بعنوان یک مرتجع جلا و جنایتکار علیه بشریت در سینه تاریخ ثبت بشود در راس این حرکت بود و کل این جماعت دنبالش سینه میزدند.

فکر میکنم که خیلی مهم است مردم ایران آن تاریخ را ورق بزنند، این آدمها را در این بیست سال مرور کنند، و بخصوص ماهیت اختلافات امروز اینها را بشناسند.

در مقطع ۳۰ خرداد اینها با هم اختلافی بر سر این نداشتند که حکومت اسلام را با کشت و کشتار علیه آزادیخواهی مردم سر پا نگه دارند. اینکار را کردند. الان هم، تحت شرایط متفاوتی تلاش شان همین است. میخواهند حکومت اسلام را در مقابل آزادیخواهی مردم سرپا نگاه دارند.

رادیو انترناسیونال: آیا میشود گفت که باین ترتیب دوم خردادی ها از سیاست خودشان در ۳۰ خرداد پشیمان هستند و فکر میکنند باید طور دیگری عمل میکردند؟

منصور حکمت: ابد. دوم خردادی ها الان خودشان با افتخار

میزبانان امروز خاتمی، متهمان فردا در دادگاه رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت خواهند بود

همزمان ضد بشری ترین و توهین آمیز ترین برخورد ها را در قبال قربانیان همین جنایتکاران یعنی پناهجویان ایرانی، اتخاذ کند.

حزب کمونیست کارگری ایران، همانطور که تا کنون در مقابل توطئه های مختلف دول غرب و جمهوری اسلامی علیه آزادی و منافع مردم ایران عمل کرده است، در این فرصت هم گسترده ترین اعتراضات را سازماندهی خواهد کرد.

ما به دولت آلمان اخطار می کنیم که آن روزی که در آینده نزدیک جمهوری اسلامی سرنگون شود، باید در مقابل افکار عمومی بین المللی پاسخگوی پشتیبانی بی شرمانه خود از نظام صد و پنجاه هزار اعدام جمهوری اسلامی باشد. ما مردم آلمان را فرا میخوانیم که از اعتراضات ما علیه جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی دولت آلمان علیه مردم ایران حمایت کنند. جمهوری اسلامی با مردم ایران و منطقه همان رفتاری را داشته که فاشیسم دهه چهل با مردم آلمان و علیه بشریت.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

افتند و شکنجه می شوند؛ احزاب و مطبوعات از فعالیت آزاد محروم اند و در انتخابات های قلابی رژیم فقط عده قلیلی از طرفداران خود حکومت می توانند شرکت کنند، بیحقوقی کارگران تشدید شده است و کارگران مهاجر با شدت بیشتری اخراج میشوند.

دولت آلمان در حالی می خواهد میزبان خاتمی باشد که مردم ایران از هر فرصتی برای بیان اعتراض و نفرت خود نسبت به این نظام قرون وسطائی و جنایتکار استفاده می کنند.

ما اجازه نخواهیم داد کسی که امروز بالاترین مسئولیت اجرایی را در رژیم اسلامی دارد و در تمام دوره سیاه حکومت ۲۱ ساله این نظام، جزو مسئولین و کادر های رده اول آن بوده است، نماینده مردم ایران جا زده شود و طرف هیچ مذاکره و معامله ای باشد. ما اجازه نخواهیم داد که مذاکرات و معاملات و بند و بستهای میان دولت آلمان و نمایندگان ارتجاع و استبداد اسلامی علیه مردم ایران و برای تحکیم اختناق در ایران به جایی برسد. ما اجازه نخواهیم داد دولت آلمان از جنایتکاران جمهوری اسلامی به عنوان میهمان رسمی و محترم استقبال به عمل بیاورد و

خاتمی رئیس قوه مجریه جمهوری اسلامی به زودی به آلمان خواهد آمد.

در ایران امروز :

- هزاران نفر به علت عقاید و فعالیت های سیاسی خود در پشت میله های زندان به سر می برند،

- احزاب و مطبوعات مخالف اجازه فعالیت ندارند، آزادی بیان و عقیده سرکوب میشود، فعالیت کمونیستی ممنوع است،

- زنان از ابتدایی حقوق فردی و اجتماعی محروم هستند و بیشرمانه ترین قوانین علیه زنان حاکم است،

- جوانان از هر گونه امکان آموزش و تفریح مناسب محروم هستند و ناامیدی نسبت به آینده و اعتیاد در میان آنان بیداد می کند،

- مذهب بر تمام شئون زندگی مردم حاکم است، دخالت مذهب در خصوصی ترین زوایای زندگی مردم بیداد میکند، کودکان توسط خرافات مذهبی شستشوی مغزی داده میشوند، از هرگونه حقوق انسانی و حق شادی محرومند و

دفاع از حقوق آنان ممنوع است، - میلیونها نفر زیر خط فقر زندگی میکنند و کارگران فاقد حق تشکل و اعتصاب برای اعتراض علیه این وضعیت فاجعه بار هستند،

- چند میلیون نفر برای بهره مند بودن از کمی آزادی و سعادت به کشور های دیگر مهاجر و پناهنده شده اند،

- رفتار حکومت نسبت به چند میلیون مهاجر مقیم ایران تماما فاشیستی است،

- و در یک کلام جهنمی را به کمک یک حکومت مذهبی قرون وسطائی بر زندگی مردم حاکم کرده اند،

۳ سال است که خاتمی بالا ترین مسئول دولتی جمهوری اسلامی است. در طول زمامداری او تمام بی حقوقی ها و جنایات و مصائب این نظام ادامه پیدا کرده اند :

حرکات اعتراضی دانشجویان و کارگران و مردم مانند گذشته به خون کشیده می شود و معترضین در ابعاد گسترده به زندان می

رادیو انترناسیونال: حزب

کمونیست کارگری یک کمپین افشای واقعه ۳۰ خرداد و گرامیداشت جان باختگان ۳۰ خرداد سازمان داده است. هدف از این کمپین چیست؟

منصور حکمت: فکر میکنم ۶۰-۷۰ درصد مردم کسانی هستند که ۳۰ خرداد را یادشان نیست. ولی این مقطع مهمی در پیدایش جمهوری اسلامی است. ما میخواهیم این را به نسل امروز در ایران و جهان یادآوری کنیم که جمهوری اسلامی که امروز سر کار است محصول یک جنایت بزرگ ضد بشری است. این اولای باید بخاطر بیاید، ثبت باشد، گفته شده باشد، و افشا شود و فراموش نشود.

ثانیا این آدمها هنوز در صحنه هستند. همان آدمهایی که ۳۰ خرداد ۶۰ به بعد آن قتل و جنایت را سازمان دادند هنوز سیاستمداران آن کشورند. وکیل مجلس اند، در کابینه اند، رئیس قوه قضائیه اند، رهبرند، رئیس ارتش اند، سران سپاه پاسداران اند. نبرد با اینها ادامه دارد. پرونده اینها نزد مردم مفتوح است، پرونده عاملین جنایت ۳۰ خرداد. اینهم یکی از عرصه های مبارزه علیه حکومت اسلامی، علیه بنیادهایش، علیه شخصیت هایش از خمینی و بهشتی تا خاتمی و خامنه ای و رفسنجانی و گیلانی و همه کسانی است که در این روند نقش داشته اند و این بخشی از جدال ما با جمهوری اسلامی است.

به شما خواهند گفت که همان ۳۰ خردادی ها هستند. از ۳۰ خرداد ابراز پشیمانی نمیکنند، البته بعدها در دادگاه هایشان خواهند کرد، ولی الان نمیکنند. الان کاری نمیکنند که از "خودیت" خودشان کم کنند. ۳۰ خرداد نهایتا همان شاخصی است که خودی و غیر خودی را تعریف میکند. تعریف خودی کسی است که از "نظام" در مقابل مخالف دفاع کرده است و ۳۰ خرداد مهمترین مقطع این پدیده است. ۳۰ خرداد مقطع تولد جمهوری اسلامی است. اگر کسی از این جماعت علیه ۳۰ خرداد بایستد دارد از جرگه خودی ها پا بیرون میگذارد.

بنظر من دیر یا زود، و خیلی زودتر از زمانی که سران حکومت فکر میکنند، محاکمات آزاد مردم برای رسیدگی به جرائم ضد بشری اینها شروع خواهد شد. اینها کسانی نیستند که بتوانند پول هایشان را بردارند و بروند لس آنجلس. سر و کارشان بسیاری از اینها دیر یا زود به محکمه های مردم میافتد. یکی از قلمروهایی که باید در این دادگاهها به آن پرداخته شود، ماجرای ۳۰ خرداد است و اینکه هر کدام از این افراد در مورد آن تاریخ چه میداند، در آن تاریخ چه نقشی داشته، و چه چیزی را میتواند علنی و افشا کند و از درد آن فاجعه تاریخی برای جامعه کم کند.

از صفحه ۱

"اقتصاد" یا "توسعه سیاسی"

کمتر به نهضت آزادی در بیرون قدرت، استخوانی جلوی اکثریت و حزب توده و طیف محافل اپوزیسیون مفلوک طرفدار رژیم پرت کردن و وفاداری بیدریغشان را خربند، و همچنان کارگر و کمونیسم و زن و رادیکالیسم و حقوق مدنی مردم را کوبیدن، و به این اعتبار بهبود مناسبات مالی و تجاری با غرب. و گویا قرار است مردم برای این "جامعه مدنی" رهایی بخش سر و دست بشکنند.

مباحثه جاری جناح ها ابادا حدت اوضاع سیاسی و رابطه واقعی میان دو جناح و موقعیت کل حکومت در قبال مردم را منعکس نمیکند. این مرافعه اخیر بر سر

به انترناسیونال هفتگی

کمک مالی کنید

انترناسیونال هفتگی را در

ایران و خارج تگتیر و پخش کنید

روزنه دات کام

نشریه ای اینترنتی از حزب کمونیست کارگری ایران

<http://www.rowzane.com>

سردبیر: کورش مدرسی

آخرین اطلاعاتی های حزب، مقالات جدید

ویژه روزنه، منتخب مقالات نشریات مختلف،

اطلاعیه ها و مقالات اعضاء و فعالین حزب،

آرشیو جامع اسناد و اطلاعات در مورد حزب،

معرفی ارگانها و کادرهای رهبری حزب،

اتصال به سایر سایت ها و مطالب بسیار دیگر

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!



بهروز مدرسی، دبیر سازمان جوانان کمونیست
behrozmodar@hotmail.com

راندن جوانان، میفرستند. ما را به بهانه های مختلف دستگیر میکنند، تهدید به اعدام میکنند و اعلام میکنند که هنوز حاکمند، که هنوز میتوانند بگیرند و بکشند و ببرند. امروز دوره دیگری است. از تهران گرفته تا مشهد و سنجند و برلین، میدان را به آنها تنگ کرده ایم. دوره دوره اعتراض و به خیابان آمدن است. باید با صدای بلند اعلام کنیم که جمهوری اسلامی را نمیخواهیم. نمیخواهیم در دنیایی که در آن جهل و خرافه و بربریت، خفقان و فقر و فلاکت و تبعیض حاکم است، زندگی کنیم. نسل ما را مانند نسلهای گذشته، نمیتوانند کنار بزنند!

سر واژگونی بنیادهای حاکمیت جمهوری اسلامی، بر سر آزادی و برابری را نوید میدهد. نسل جوان ایران، نسلی است که در دنیای تحت حاکمیت سیاه جمهوری اسلام چشم به دنیا گشوده، از نزدیک حاکمیت کثافات مذهب، تبعیض، نابرابری، آپارتاید جنسی و عدم تامین اجتماعی را تجربه کرده و لحظه ای هم امید به آینده ای بهتر را از کف نهاده و برای تحقق آن به مبارزه برخاسته است. سران رژیم از خاتمی گرفته تا خامنه ای، صدای رسای اعتراض جوانان علیه سرکوب و فقر و خفقان، علیه حاکمیت اسلام و سرمایه، فریاد جوانان برای آزادی، رفاه و سعادت و برابری را شنیده اند و با تمام قوا تلاش میکنند جلو رشد و گسترش آنها بگیرند. اوپاش چماقدار را برای ایجاد فضای رعب و وحشت، برای سرکوب و عقب

سازمان جوانان کمونیست، سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران، فعالیت خود را از چند ماه قبل آغاز نموده است. همانطور که در بیانیه تشکیل آن آمده است، ما سازمانی هستیم برای متحد و بسیج کردن همه جوانان مشتاق آزادی، برابری و رفاه انسانها به گرد پرچم کمونیستی کارگران. ما میخواهیم همه جوانانی را که علیه استثمار و نابرابری، علیه عقب ماندگی، مذهب، ناسیونالیسم، زن ستیزی و نژاد پرستی هستند، به میدان آورده و دنیایی برابر و آزاد، مرفه و مدرن، دنیایی شاد برای بشریتی خوشبخت، بیا داریم. اعتراضات جوانان علیه قوانین مذهبی، حضور گسترده جوانان در اعتراضات، حضور وسیع دختران در اعتراض به تبعیض، جداسازی و آپارتاید جنسی، شروع جنگی بر

کمونیست را برای بسیج این نیروی عظیم اجتماعی حول آرمانها و برنامه حزب کمونیست کارگری تشکیل داده ایم. سازمان جوانان کمونیست چه در داخل ایران و چه در اروپا و آمریکا در صدد به میدان آوردن این نیروی عظیم اجتماعی است. با وجود عمر هنوز کوتاه آن جوان بسیاری به عضویت آن در آمده اند تا دست در دست هم بگذارند و بنیادهای یک دنیای بهتر را همگام و همراه با کارگران کمونیست برپا کنند.

سازمان جوانان کمونیست را تشکیل دهید. آدرسهای تماس با ما را در انتهای این نوشته خواهید یافت. دور نیست روزی که آوای شادی از سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی، برقراری جامعه ای آزاد و برابر را از کوچه پس کوچه های تهران گرفته تا پالایشگاه آبادان و بر آوار زندان اوین بشنویم.

آدرسهای تماس
تلفن:

0049 172 295 73 06

Javanan

Postfach 62 05 15

10795 Berlin

Germany

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران ۴۰۹۷۹۲۸ ۷۷۱ ۰۰۴۴

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج ۷۸۲۲۷۴۶ ۱۷۲ ۰۰۴۹

Website:

www.haftegi.com

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

انترناسیونال هفتگی

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

تشکل و اعتصاب و آزادی های سیاسی، عدم پرداخت دستمزد صدها هزار کارگر، دستگیری و پیگرد فعالین کارگری، اخراج دو میلیون مهاجر، علیه جا زدن شوراهای اسلامی بعنوان نماینده کارگران ایران و حضور جمهوری اسلامی از سوی دیگر، که به گوش سه هزار شرکت کننده کنفرانس رسید و در برابر چشمان آنها قرار گرفت. در جریان مباحثات کمیته ای که بر اجرای مقابله نامه های آل ال او نظارت دارد، هیات کارگری کانادا، فرانسه، کلمبیا، ترکیه، ایتالیا و چند کشور دیگر جمهوری اسلامی را در زمینه های مختلف و از جمله تبعیض مذهبی و جنسی مورد انتقاد شدید قرار دادند.

سازمان جهانی کار نمی تواند با کوبیدن به نعل و به میخ گریبان خود را از مسئولیت پذیرش جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی اش خلاص کند. سایر مطالبات کارگران ایران، سایر مفاد قطعنامه ما و انتقاد هیات های کارگری کشورهای دیگر همچنان بی پاسخ مانده است. مبارزه علیه حضور جمهوری اسلامی در آل ال او و در افشای سیاست شرم آور این سازمان ادامه خواهد یافت.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران

هشدار آی ال او به جمهوری اسلامی به نعل و به میخ!

با اینهمه کنفرانس آی ال او نتوانست به اعتراضات هیات های کارگری در زمینه عدم رعایت حقوق کار در ایران، از جمله محروم کردن کارگران کارگاه های کوچک از شمول قانون کار، به تظاهرات حزب کمونیست کارگری ایران که صدای آن بوضوح از همان روز اول کنفرانس در داخل سالن طنین می انداخت و به قطعنامه اعتراضی حزب ما که روی میز شرکت کنندگان قرار گرفت (و یک بند آن مربوط به همین کارگاههای کوچک بود) بی اعتنا بماند. کمالی در همانجا میگوید که چگونه مقامات کنفرانس به هیات ایرانی در مورد حذف کارگاههای زیر پنج نفر از قانون کار موجود، اخطار داده و "اظهار نگرانی" کرده اند و هیات ایرانی قول داده که "تغییراتی وجود آورد". هشدار ملایم کنفرانس ۸۸ آی ال او به جمهوری اسلامی معدلی بود بین تمایل این سازمان در پیروی از سیاست غرب در حمایت از دولت خاتمی از یکسو و فضای غیر قابل انکار اعتراض علیه تبعیض جنسی در ایران، نبود حق

هشتاد و هشتمین کنفرانس جهانی کار، پنجشنبه ۱۵ ژوئن (۲۷ خرداد ۷۹) پایان پذیرفت. امسال نیز به روال دو سال گذشته و بر خلاف سالهای پیشتر، نام جمهوری اسلامی در لیست کشورهای که استانداردهای بین المللی کار از جمله حق تشکل و اعتصاب را رعایت نمی کنند، قرار نگرفت. کنفرانس در حمایت از حقوق مادری سندی را به تصویب رساند، اما علیه ماهیت زن ستیز رژیم اسلامی که خود را با حمله مداوم به زنان و آپارتاید جنسی تعریف کرده است، در اطلاعیه رسمی خود چیزی نگفت. پرونده جمهوری اسلامی چنان سیاه است که حسین کمالی وزیر کار گویی نگران برخورد شدیدتر از سوی آی ال او بود. نفس بند آمده ایشان بالا آمد که: "اجلاس اخیر از قرار دادن ایران در لیست کشورهای ویژه (که استانداردهای آی ال او را زیر پا میگذارند) خودداری کرد!" (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶ خرداد)